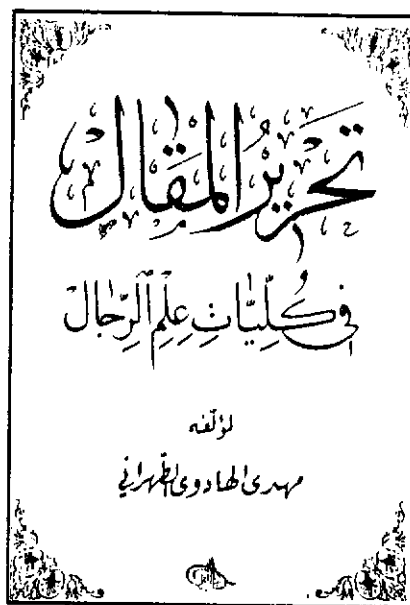


## دو صفحه از يك كتاب

### (نقدی بر تحرير المقال في كليات علم الرجال)

سيد حسن فاطمی



تحرير المقال في كليات علم الرجال. مهدي هادوي  
تهراني. (چاپ اول: تهران، انتشارات الزهراء،  
۱۳۷۱ هـ.ش) وزيري.

یکی از مباحث مطرح در علم رجال این است که آیا تمام  
راویان امام صادق (ع) که نامشان در رجال شیخ طوسی - ره - آمده  
ثقه اند یا خیر؟ برخی معتقدند تمام آنان ثقه هستند مگر اینکه  
خلاف آن ثابت شود. در مقابل آنان گروهی دیگر برآنند که تا  
وثاقت هر کدام ثابت نشود نمی توان کسی را ثقه دانست.

مستند کسانی که اصحاب امام صادق (ع) در رجال شیخ  
طوسی ره را ثقه می دانند، سخن بزرگانی مانند شیخ مفید،  
طبرسی، ابن شهر آشوب و محمد بن علی فتال است و همه آنان  
تمام راویان امام صادق (ع) در رجال ابن عقده را که چهار هزار

نفرند، توثیق نموده اند؛ این کتاب در زمان متقدمین از بین رفته و  
اکنون در دست ما نیست<sup>۱</sup>. از سوی دیگر شیخ در مقدمه کتاب  
رجالش متذکر شده وی نام تمام کسانی را که ابن عقده در  
رجالش ذکر کرده، در قسمت اصحاب حضرت صادق (ع)  
آورده است، آنجا که می نویسد:

«لم اجد لاصحابنا كتاباً جامعاً في هذا المعنى الا مختصرات  
قد ذكر كل انسان منهم طرفاً الا ما ذكره ابن عقده من رجال  
الصادق (ع) فانه قد بلغ الغاية في ذلك ولم يذكر رجال باقي  
الائمة (ع) وانا اذكر ما ذكره واورد من بعد ذلك من لم يذكره»<sup>۲</sup>

در میان اصحابمان کسی را نیافتم که کتاب جامعی در این  
زمینه نگاشته باشد (و در آن نام اشخاصی را که از پیامبر (ص) و  
ائمه (ع) تا زمان حضرت قائم (ع) گردآورده باشد) مگر کتابهای  
مختصری که هر کدام روایت نقل کرده اند تنها متذکر قسمتی  
شده اند، غیر از ابن عقده که در کتابش نام راویان امام صادق (ع)  
را گردآورده و در این راه از نهایت تلاش خود دریغ نورزیده و از  
چیزی فروگذار نکرده است. وی راویان بقیه امامان (ع) را ذکر  
نکرده، ولی من تمام افرادی را که او در کتابش آورده نام برده ام و  
رجال بقیه ائمه (ع) را نیز متذکر شده ام.

از شباهت بسیار میان عبارات کسانی که راویان حضرت  
صادق (ع) را توثیق نموده اند، می توان دریافت که با توجه به  
تقدم شیخ مفید بر دیگران، همه از وی تبعیت نموده اند.

شیخ مفید ره: «ان اصحاب الحديث قد جمعوا اسماء الرواة عنه من  
الثقات على اختلافهم في الآراء والمقالات فكانوا اربعة آلاف رجل»<sup>۳</sup>

۱. معجم رجال الحديث، آیت الله خویی، مطبعة الآداب. نجف، ج ۱، ص ۵۹.
۲. رجال الطوسی. المكتبة الحیدریة - نجف، چاپ اول، ص ۲.

مرحوم طبرسی ره: «ان اصحاب الحديث قد جمعوا اسامی الرواة عنه من الثقات علی اختلافهم فی المقالات والديانات فكانوا اربعة آلاف رجل.»

ابن شهر آشوب ره: «قد جمع اصحاب الحديث اسماء الرواة من الثقات علی اختلافهم فی الاراء والمقالات وكانوا اربعة آلاف رجل.»

محمد بن علی فتال: «قد جمع اصحاب الحديث اسماء الرواة عنه (ع) من الثقات علی اختلافهم فی الاراء والمقالات فكانوا اربعة آلاف.»

بنابر این منشأ تمام توثیقات، توثیق شیخ مفید-ره- است و نمی توان ادعا کرد که تمام آنان شخصاً روات امام صادق (ع) را بررسی کرده و به وثاقت آنان گواهی داده اند.

در برابر گروهی که تمام اصحاب حضرت صادق (ع) را در رجال شیخ ثقه می دانند، بسیاری از رجالیها توثیق شیخ مفید-ره- و پیروان او را نپذیرفته اند. در اینجا تنها به نقل عبارت معجم رجال الحديث در این زمینه، اکتفا می کنیم:

«هذه الدعوى غير قابلة للتصديق فانه ان ارید بذلك ان اصحاب الصادق (ع) كانوا اربعة آلاف كلهم كانوا ثقات: فهي تشبه دعوى ان كل من صحب النبي صلى الله عليه وآله عادل مع انه ينافيها تضعيف الشيخ جماعة منهم ابراهيم بن ابي حبة والحارث بن عمر البصرى و عبد الرحمن بن الهلثام وعمرو بن جميع و جماعة اخرى غيرهم. وقد عدّ الشيخ ابا جعفر الدوانيقي من اصحاب الصادق (ع) افهل يحكم بوثاقته بذلك؟ وكيف تصح هذه الدعوى مع انه لا ريب في ان الجماعة المؤتلفة من شتى الطبقات علی اختلافهم فی الآراء والاعتقادات يستحيل عادة ان يكون جميعهم ثقات.»<sup>۲</sup>

این ادعا (ثقه بودن تمام اصحاب امام صادق (ع) در رجال شیخ) قابل تصدیق نیست، زیرا اگر مراد این است که اصحاب حضرت صادق (ع) چهار هزار نفر و تمامی آنان ثقه بوده اند، چنین مطلبی شبیه این ادعاست که گفته شود تمام اصحاب پیامبر (ص) عادلند. به علاوه تضعیف گروهی از آنان توسط شیخ طوسی، مانند: ابراهیم بن ابی حبه و حارث بن عمر بصری و عبد الرحمن بن هلقام و عمرو بن جمیع و گروهی دیگر، با این ادعا تنافی دارد. شیخ طوسی، ابو جعفر منصور دوانیقی را از اصحاب امام صادق (ع) شمرده است. آیا می توان با توثیق شیخ مفید به وثاقت منصور حکم کرد؟

چگونه چنین ادعایی می تواند صحیح باشد در حالی که بی تردید در میان گروهی که از مجموعه ای با عقاید مختلف گرد آمده اند، وثاقت همگی آنان عادتاً محال است.

نگارنده در پی تحقیقی که پیرامون اصحاب حضرت صادق (ع) داشت، به کتاب تحریر المقال فی کلیات علم الرجال تألیف آقای مهدی هادی تهرانی برخورد و پس از مطالعه بحثی تحت عنوان «اصحاب الصادق (ع) فی رجال الشیخ الطوسی» متوجه اشکالات متعددی در دو صفحه کتاب (ص ۹۹-۱۰۰) شد. برای پرهیز از اطاله مقال تنها به نقل اشکالات این دو صفحه می پردازیم تا نویسندگان این قبیل آثار دقت بیشتری را در تألیف مصروف دارند.

مؤلف در بحث از اینکه آیا اصحاب امام صادق (ع) در رجال شیخ طوسی ثقه هستند یا خیر، ابتدا نظر قائلین به وثاقت تمام آنان- به دلیل توثیق شیخ مفید- را ذکر می کند سپس اشکالی را که آیت الله سبحانی در «کلیات فی علم الرجال» بر این نظریه وارد آورده، مطرح می کند:

«ان أراد المفیّد (قد) لما ورد فی رجال ابن عقدة غير معلوم، بل المعلوم خلافه لانه اتى بصيغة الجمع فقال: «ان اصحاب الحديث قد جمعوا الخ.» (تحریر المقال، ص ۹۹)

السابع: اصحاب الصادق (ع) فی رجال الشیخ الطوسی

نقته: قد یلم الغایة فی ذلك ولم يذكر رجال باقی الاثمة (ع).  
الثالث: ذکر الشیخ الطوسی (ره) لما ذكره ابن عقدة. فإتة قال بعد هذه العبارة: «ورواها أذكر ما ذكره».

و هناك عدة اشکالات تطرح بوجه هذه الاستدلال: منها: ان إرادة المفید (قد) لما ورد فی رجال ابن عقدة غير معلوم، بل المعلوم خلافه لأنه اتى بصيغة الجمع فقال: «ان اصحاب الحديث قد جمعوا الخ.» وفيه: لو سلمنا الاشکال فإنه لا یضرب بالاستدلال، لأن توثیق المفید (قد) لجميع اصحاب الصادق (ع) یکنفی فی إثبات وثاقته من ورد فی رجال ابن عقدة، مع أن رجاله يشمل جميع ما ورد فی غیره.

منها: ان الشیخ الطوسی (ره) التزم فی دیباچه رجاله أن یأتی بكل ما ذكره ابن عقدة و مع ذلك لم یبلغ عدد اصحاب الصادق (ع) فيه إلى اربعة آلاف ولم یتجاوز عن ثلاثة آلاف و خمسين رجلاً.

اعتذر المحدث الثوری (ره) عن هذا الاشکال بأن الشیخ (قد) اکتفی فی اصحاب الصادق (ع) بمن أدرك عصره فقط، أنا من أدرك عصره و عصر غیره من الاثمة (ع) کالباقی (ع) أو الکاظم (ع) فقد ذکر اسمه ضمن اصحاب هذا الامام الآخر (ع) بینما ابن عقدة ذکر جميع اصحاب الصادق (ع) و ان أدرك عصر غیره.

أورد علیه بأن ابن عقدة صنف کتابات اربعة حول اصحاب الاثمة (ع) قبل الصادق (ع) یعنی کتاباً حول من روی عن علی (ع) و کتاباً حول من روی عن الحسنین (ع) و کتاباً حول من روی عن زین العابدین (ع) و کتاباً حول من روی عن الباقر (ع) فذكر من كان من اصحاب الباقر (ع) فی الکتاب المختص لهم.  
ولی کلیهما نظر. أنا الثاني فلأن من المحتل قویاً أن ابن عقدة حيث كتب کتاباً حول

(۱) رجال الطوسی، ص ۲ (طالعجلد).  
(۲) کلیات فی علم الرجال، الشیخ سبحانی، ص ۲۳۳.  
(۳) سفرک فرساک، ج ۳، ص ۲۳۳ (طالعجمری).  
(۴) کلیات فی علم الرجال، الشیخ سبحانی، ص ۲۳۳.

معلوم نیست که مراد شیخ مفید خصوص اشخاصی باشد که در رجال ابن عقده آمده، بلکه خلاف آن معلوم است، زیرا شیخ مفید در کلامش صیغه جمع را به کار برده و فرموده است: «ان اصحاب الحدیث قد جمعوا الخ.»

اما عبارت «کلیات فی علم الرجال» چنین است:

«ان أقصى ما يمكن ان يقال: انه صدر توثيق من الشيخ المفيد في حق اربعة آلاف رجل من اصحاب الصادق (ع) واما ان مراده هو نفس ماورد في رجال ابن عقدة، فأمر مظنون او محتمل اذ لم يكن التأليف في الرجال في هذه العصور مختصاً باین عقدة... ويؤيد ذلك ان الشيخ المفيد عبر بلفظ الجمع وقال: «ان اصحاب الحدیث قد جمعوا اسماء الرواة عنه من الثقات.»<sup>۴</sup>

نهایت چیزی که می توان گفت این است که توثیقی از جانب شیخ مفید درباره چهار هزار تن از اصحاب امام صادق (ع) صادر شده است، اما اینکه مراد او خصوص افرادی است که در رجال ابن عقده آمده، امری مظنون یا محتمل است، زیرا در آن زمان، تألیف در باب رجال مختص به ابن عقده نبوده... و مؤید آن این است که شیخ مفید در کلامش لفظ جمع را به کار برده، می فرماید: «ان اصحاب الحدیث قد جمعوا اسماء الرواة عنه من الثقات.»

همانگونه که ملاحظه می شود میان آنچه در «کلیات فی علم الرجال» آمده و نقل قول در کتاب «تحریر المقال» تفاوت وجود دارد، زیرا:

اولاً، آیت الله سبحانی به طور قطع نمی گوید شیخ مفید، اشخاصی را که در رجال ابن عقده آمده اند، اراده نکرده، بلکه تصریح می کند که اراده کردن آنها امری مظنون یا محتمل است. ثانیاً، در کتاب «کلیات فی علم الرجال» استفاده از صیغه جمع در عبارت شیخ مفید به عنوان «دلیل» بر اراده نکردن ابن عقده ذکر نشده، بلکه به عنوان «مؤید» آورده شده و «مؤید» مرحله ای پایین تر از «دلیل» است؛ زیرا در زبان عربی - و حتی فارسی - گاه از صیغه های جمع، معنای مفرد اراده می شود؛ مانند الذین، یقیمون و یؤتون در آیه ولایت.

سپس مؤلف در مقام پاسخ اشکال برآمده، می نویسد:

«لو سلّمنا الاشکال فانه لا یضر بالاستدلال لان توثيق المفيد (قد) لجميع اصحاب الصادق (ع) یکفی فی اثبات وثاقه من ورد فی رجال ابن عقدة.» (تحریر المقال، ص ۹۹).

اگر اشکال را بپذیریم، به آن استدلال (مبنی بر نفع بودن تمام اصحاب امام صادق (ع) در رجال شیخ) خللی وارد نمی آید، زیرا توثیق تمام اصحاب حضرت صادق (ع) توسط شیخ مفید، در اثبات وثاقت کسانی که نام آنان در رجال ابن عقده آمده، کافی است.

اما شیخ مفید تمام اصحاب امام را توثیق ننموده، بلکه ظاهر

عبارت شیخ مفید، وثاقت چهار هزار نفر است نه اینکه تمام اصحاب حضرت ثقه بوده اند. همان گونه که شیخ مفید می نویسد: «ان اصحاب الحدیث قد جمعوا اسماء الرواة عنه من الثقات علی اختلافهم فی الآراء والمقالات فكانوا اربعة آلاف رجل.»<sup>۵</sup> اصحاب حدیث اسامی راویان ثقه از حضرت صادق (ع) را جمع آوردند و تعداد آنان چهار هزار نفر است، اگرچه در عقاید با هم اختلاف دارند.

\*\*\*

مؤلف در همین صفحه، دلیل دیگری از کتاب «کلیات فی علم الرجال» مبنی بر نفع نبودن تمام اصحاب امام صادق (ع) ذکر می کند: «منها: ان الشيخ الطوسی (ره) التزم فی دبیاجة رجاله ان یأتی بکل ما ذکره ابن عقدة ومع ذلك لم یبلغ عدد اصحاب الصادق (ع) فی الی اربعة آلاف ولم یتجاوز عن ثلاثة آلاف وخمسين رجلاً.» شیخ طوسی ره در مقدمه رجالش، آوردن تمام کسانی را که ابن عقده ذکر کرده ملتزم شده است؛ با این حال تعداد اصحاب حضرت صادق (ع) در رجال شیخ به چهار هزار نفر نمی رسد و از سه هزار و پنجاه نفر تجاوز نمی کند.

از عبارت فوق نمی توان دریافت که تمام اصحاب حضرت صادق (ع) ثقه نیستند. در صورتی که با مراجعه به کتاب «کلیات فی علم الرجال»، متوجه می شویم مؤلف آن، این مضمون را به عنوان دلیل بر عدم وثاقت تمام روات امام ذکر نکرده، بلکه قصد اثبات این نکته را داشته که مراد شیخ مفید، توثیق رجال مذکور در کتاب ابن عقده نیست.<sup>۶</sup>

\*\*\*

مشهور است که ابن عقده نام چهار هزار تن از راویان حضرت صادق (ع) را در کتاب رجالش جمع آورده و شیخ مفید تمام آنان را توثیق کرده است. از سوی دیگر شیخ طوسی نام افرادی را که در رجال ابن عقده بوده در رجالش ذکر کرده، ولی تعداد آنان به چهار هزار تن نمی رسد. برای حل این مشکل، راه حلی از محدث نوری نقل شده است:

۴. کلیات فی علم الرجال، جعفر سبحانی، چاپ اول، دارالمیزان، بیروت، ۱۴۱۰ق، ص ۳۲۷-۳۲۸.

۵. الارشاد، ج ۳، ص ۱۷۳.

۶. کلیات فی علم الرجال، ص ۳۲۸.

«اعتذر المحدث النوری (ره) عن هذا الاشكال بأن الشيخ (قد) اكتفى في اصحاب الصادق (ع) بمن ادرك عصره فقط، اما من ادرك عصره وعصر غيره من الائمة (ع) كالباقر (ع) او الكاظم (ع) فقد ذكر اسمه ضمن اصحاب هذا الامام الآخر (ع) بينما ابن عقدة ذكر جميع اصحاب الصادق (ع) وان ادرك عصر غيره». (تحریر المقال، ص ۹۹)

محدث نوری برای حل این اشکال راهی را به این صورت ارائه نموده که شیخ در قسمت اصحاب امام صادق (ع) تنها نام کسانی را آورده که فقط عصر حضرت صادق (ع) را درک نموده اند، اما نام کسانی را که عصر حضرت صادق (ع) و عصر امام دیگر مانند امام باقر (ع) و امام کاظم (ع) را نیز درک نموده اند، در ضمن اصحاب آن امام دیگر ذکر کرده، در حالی که ابن عقده تمام اصحاب حضرت صادق (ع) را آورده اگرچه عصر امام دیگر را نیز درک کرده باشد.

سپس مؤلف به راه حل محدث نوری اشکال گرفته، می نویسد: «ان الشيخ (ره) - كما يظهر من مراجعة رجاله - كرّر كثيراً من أسماء من ادرك عصر عدد من الائمة (ع) ضمن اصحاب كل منهم». (تحریر المقال، ص ۱۰۰)

تحریر المقال فی کلیات علماء رجال

۱۰۰

رواة الصادق (ع) و آخر حول اصحاب الباقر (ع) كزور المشركين لتعدد الكتب بينما الشيخ (ره) الف كتاباً واحداً ترك التكرار. وأما الاول - أي اعتذار النوری (ره) - فلان الشيخ (ره) - كما يظهر من مراجعة رجاله - كرّر كثيراً من أسماء من ادرك عصر عدد من الائمة (ع) ضمن اصحاب كل منهم فراجع.

أما أصل الإشكال فيمكن الجواب عنه بأن العدد، الذي ذكره المفيد (قد) مبني على التخمين والشاهد عليه ما فعله المستشكل نفسه من الاكتفاء بعد ذكره المحدث النوری (قد) - أي ثلاثة آلاف وخمسين رجلاً - بينما العدد الواقعي هو ثلاثة آلاف ومائتين وعشرة رجلاً فراجع.

فلو ترك المستشكل التعداد والطبعة الحديثة المرقمة في متناول يده فلا غروفي ترك الشيخ المفيد (قد) له فافهم.

إن قلت: لو كان العدد مبنيًا على التقريب فالتوثيق كذلك.

قلت: كلام الشيخ المفيد (قد) ظاهر في أمرين: (۱) أنّ اصحاب الصادق (ع) كلّهم ثقات (۲) عددهم يبلغ أربعة آلاف رجل والظاهر منهما هو الإحراز عن حش. كما قررناه في محله. فإذا سقط أحد الظهورين يبقى الآخر على حاله فتأمل.

ثم لو استفحل الإشكال لكان حاصله خطأ الشيخ الطوسي (ره) في الحكم بأن ابن عقدة بلغ الغاية في ذكر أسماء اصحاب الصادق (ع) وهذا لا يجزئ بالطلب.

نعم، قد يقال: إن الشيخ الطوسي (قد) نفسه قد صرح بأن ابن عقدة لم يأت بأسماء جميع اصحاب الصادق (ع) حيث قال: «وَأورد من بعد ذلك من لم يذكره؟» فوجاله مشتمل على من ذكره ابن عقدة وغيره.

وفيه:

أولاً: إن مراده من إبراد من لم يذكره ابن عقدة، إنما هو ذكر أسماء اصحاب باقی الائمة (ع) فإنه قال:

(۱) راجع: ص ۸۷.

(۲) رجال الطوسي، رد، ص ۲ (ط النجف).

(۳) معجم الرجال، ج ۱، ص ۵۹ (ط بيروت).

با مراجعه به رجال شیخ معلوم می شود وی در موارد بسیار، نام کسانی را که عصر چند امام را درک کرده اند ضمن اصحاب هر یک از ائمه آورده است.

در صورتی که وقتی به کتاب مستدرک الوسائل مراجعه کنیم، متوجه می شویم که مراد محدث نوری درست فهمیده نشده است. مضمون راه حلی که وی ارائه نموده چنین است:

هرگاه کسی بخواهد نام اصحاب و راویان یک امام را جمع آوری کند، نام هر کسی را که امام را درک کرده باشد ذکر می کند ولو اینکه آنان اندکی از ابتدا یا انتهای ایام امامت آن امام را درک کرده باشند. ولی کسی که اصحاب تمام امامان را در یک کتاب جمع آوری می کند، اگر فردی غالب ایام عمرش را در عصر یک امام بگذراند و به عنوان صحابی او شهرت یابد، نام آن شخص را تنها در میان اصحاب آن امام ذکر می کند، اگر چه چند روایتی هم از امام دیگر نقل کرده باشد و در صورتی که به مقدار قابل توجهی از عمرش همزمان با دو امام باشد او را جزء اصحاب هر دو ذکر می کند.

بنابراین اگر در رجال شیخ می بینیم نام تمام چهار هزار تن جزء اصحاب حضرت صادق (ع) نیامده، بخاطر این است که برخی از آنها بیشتر عمرشان را همزمان با امام باقر (ع) یا امام موسی کاظم (ع) گذرانده اند. از این رو شیخ نام آنان را جزء اصحاب یکی از این دو امام ذکر کرده است. عبارت مستدرک الوسائل چنین است:

«انّ الذي يروم استقصاء اصحاب امام عليه السلام واستيعاب روايته يذكر كل من ادركه ولو من اول ايام خلافته قليلاً أو من آخر اوقات خلافته جزء يسيراً كما فعل الذين ارادوا احصاء اصحاب رسول الله صلى الله عليه وآله كصاحب الاستيعاب واسد الغابة والاصابة وغيرها فترتهم يذكرون منهم كل من ادرك من طرفي ايام رسالته (ص) باقل ما به يصدق الادراك واما من قصد جمع اصحاب كل امام عليه السلام فيذكر كل من ادرك منهم غالب ايام عمره واختص به واشتهر باسم صحابته وان ادرك اثنين منهم بما يعتد به يذكره في البابين وهكذا...»

اذا عرفت ذلك تعلم وجه نقصان عدد ما في رجال الشيخ من اصحاب الصادق (ع) عمّا في رجال ابن عقدة منهم مع تصرّحه بأنه يذكر ما ذكره فان ابن عقدة احصاهم لغرضه والشيخ اسقط

بعضهم لما ذكرنا وتعلم ان ما اسقطه في هذا الباب منهم اثبتة في باب اصحاب ابي جعفر الباقر (ع) او في باب اصحاب ابي ابراهيم موسى بن جعفر (ع) وان كانوا مجهولين من هذه الجهة وهذا واضح بحمد الله تعالى. <sup>۷</sup>

اگر مؤلف به کتاب مستدرک الوسائل مراجعه کرده باشد تنها به قسمت انتهایی کلام محدث نوری توجه نموده است، اما به نظر می رسد وی به مستدرک مراجعه نکرده و این کلام را از کتاب «کلیات فی علم الرجال» گرفته است، زیرا همین اشتباه در آنجا نیز رخ داده است. از سوی دیگر محدث نوری این کلام را در جلد سوم، صفحه ۷۷۲ نقل می کند، اما هم در «کلیات فی علم الرجال» و هم در «تحریر المقال»، صفحه ۷۷۳ به عنوان مأخذ ذکر شده است.

برای پاسخ به توجیه محدث نوری می توان گفت که به دست آوردن تاریخ ولادت یا وفات چند هزار تن برای شیخ طوسی، پس از گذشت حدود سه قرن، کاری بس دشوار بوده است، حتی برای ابن عقده که حدود دو قرن یا زمان حیات امام صادق (ع) فاصله داشته.

شیخ طوسی در رجالش وطن اکثر اصحاب حضرت صادق (ع) را ذکر کرده است؛ اکثر آنان اهل کشورها و شهرهای مختلفی غیر از مدینه بوده اند، ولی به مدینه سفر نموده اند و از حضرت سخنانی را شنیده سپس به اوطان خود بازگشته اند. توجه به این نکته نشان می دهد، به دست آوردن تاریخ ولادت یا وفات چند هزار تن از اصحاب امام صادق (ع) توسط شیخ یا ابن عقده عادتاً محال بوده است.

نه در کتب شیخ؛ تاریخ ولادت یا وفات بسیاری از اصحاب امام (ع) آمده و نه در کتب رجالی دیگر؛ و با توجه به اهمیت تاریخ حیات روات در علم رجال، می بینیم تاریخ وفات یا ولادت بسیاری از راویان با واسطه نیز که در زمانهای بعد زندگی می کردند در کتب رجالی مشخص نشده است. برخی از اصحاب امام صادق (ع) آنقدر گمنامند که تنها شیخ در رجالش نامی از آنان برده است. بنابراین چگونه وی می توانسته از تاریخ ولادت یا وفات این همه راوی مطلع گردد. خصوصاً با توجه به اینکه در زمان امام صادق (ع) افراد با سواد بسیار کمتر بودند و ابزار نوشتن مانند زمانهای بعد پیشرفته نبوده است. حتی تاریخ دقیق ولادت و وفات برخی ائمه (ع) معلوم نیست، تا چه رسد به راویان!

به نظر می رسد ملاک شیخ در آوردن نام افراد به عنوان اصحاب امام (ع) این بوده که آن شخص از امام (ع) روایتی نقل کند ولو اینکه زمان کوتاهی معاصر حضرت باشد. بنابراین اگر در مواردی می بینیم شیخ نام شخصی را جزء اصحاب دو امام

آورده، به خاطر این است که او از هر دو روایت نقل کرده است نه اینکه مدت قابل توجهی را همزمان با هر دو امام بسر برده است.

\*\*\*

\*

جای تعجب است که در یک پاراگراف تناقض به چشم می خورد:

«ان من المحتمل قویاً ان ابن عقده حیث کتب کتاباً حول رواة الصادق (ع) و آخر حول اصحاب الباقر (ع) کرر المشترکین لتعدد الکتب بینما الشیخ (ره) ألف کتاباً واحداً فترك التکرار.» (تحریر المقال، ص ۹۹-۱۰۰)

به احتمال قوی ابن عقده وقتی کتابی پیرامون اصحاب حضرت صادق (ع) نوشته و کتاب دیگری پیرامون اصحاب حضرت باقر (ع)، نام کسانی را که از اصحاب هر دو امام بوده اند، تکرار کرده، زیرا کتابها متعدد بوده است؛ حال آنکه شیخ یک کتاب نگاشته، در نتیجه تکرار را ترک کرده است.

در ادامه برخلاف مطلب فوق چنین می نگارد:

«ان الشیخ (ره) - کما یظهر من مراجعة رجاله - کرر کثیراً من اسماء من ادرك عصر عدد من الائمة (ع) ضمن اصحاب کل منهم.»

با مراجعه به رجال شیخ معلوم می شود وی در موارد بسیار، نام کسانی را که عصر چند امام را درک کرده اند، در ضمن اصحاب هریک از آنان تکرار کرده است.

تنها اندکی دقت، تناقض موجود در یک پاراگراف بلکه در دو سطر پشت سرهم را آشکار می سازد. چرا که مؤلف در صفحه ۱۰۰ سطر دوم مدعی است شیخ تکرار را ترک نموده اما در سطر سوم می نگارد شیخ نام اصحاب هر امام را تکرار کرده است.

\*\*\*

\*\*

بر اساس فرموده شیخ مفید، اصحاب حدیث اسامی چهار هزار تن از راویان امام صادق (ع) را جمع آورده اند و مراد وی - چنانچه بسیاری از رجالین تصریح کرده اند - ابن عقده

۷. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۷۷۲.

را به حساب نیاورده است. احتمال دیگر اینکه تعداد اصحاب حضرت صادق (ع) در نسخه ای که در اختیار محدث نوری بوده، کمتر از نسخه هایی بوده که امروز در دسترسند.

ثالثاً، تعداد راویان امام صادق (ع) در رجال شیخ، چاپ نجف ۳۲۲۳ نفرند نه ۳۲۱۰ تن.

در قسمت اصحاب حضرت صادق (ع) از رجال شیخ، بابی است تحت عنوان «باب من لم یسم». در این قسمت، افرادی آورده شده که نام آنان در دست نیست، زیرا اسمی از آنان در زنجیره آستاد برده نشده است؛ مثلاً شیخ می نویسد: «محمد بن ابی حمزة عن رجل عنه (ع)»<sup>۹</sup> و آنان چهارده نفر هستند و در یک مورد شیخ می نویسد: «حماد بن عثمان عن ابی عبد الله (ع) او عن رجل عنه (ع)»<sup>۱۰</sup>

شاید منشأ اشتباه مؤلف این است که تصور نموده مراد شیخ در این باب، محمد بن ابی حمزه و حماد بن عثمان و امثال آنهاست، در حالی که مراد وی همانگونه که از عنوان باب معلوم است، «رجل» است.

در پی این اشتباه، مؤلف تنها حماد بن عثمان را جزء راویان بی واسطه به حساب آورده و سیزده نفر دیگر را راویان با واسطه تصور کرده، از این رو راویان بی واسطه را ۳۲۱۰ تن دانسته است. احتمالاً وی عنوان باب را به صیغه معلوم، چنین خوانده است: «باب من لم یسم».

شاهد ادعای ما این است که شیخ نام راویان با واسطه را جداگانه در پایان کتاب تحت عنوان «باب ذکر اسماء من لم یرو عن واحد من الائمة - علیهم السلام» آورده است.

به نظر می رسد اختلاف میان کلام شیخ مفید و عمل شیخ طوسی را بتوان با یکی از راههای زیر حل کرد:

۱- ممکن است ابن عقده ولو تسامحاً نام برخی افراد را که با واسطه از امام (ع) روایت نقل کرده اند، در رجالش آورده و شیخ طوسی نام آنان را در باب کسانی که با واسطه از امامان روایت نقل کرده اند، آورده است.

۲- بسیار دیده شده که برخی راویان، تحت دو یا چند عنوان، در کتب روایی از آنان نام برده شده و همین امر سبب تکرار میان اسامی گردآوری شده توسط ابن عقده شده است. به همین جهت شیخ اسامی تکراری را حذف کرده است.

۳- ممکن است چند احتمال با هم سبب این اختلاف شده باشد؛ مثلاً احتمال دارد تعداد اسامی در کتاب رجال ابن عقده

است. از سوی دیگر شیخ طوسی نام تمام افرادی را که در کتاب ابن عقده بوده، آورده، اما تعداد آنان به چهار هزار نمی رسد. مؤلف کتاب «تحریر المقال» برای حل این مشکل چنین می نویسد:

«ان العدد الذی ذکره المفید (قد) مبنی علی التخمین والشاهد علیه ما فعله المستشکل نفسه من الاكتفاء بعدد ذکره المحدث النوری (قد) - ای ثلاثة آلاف وخمسين رجلاً - بينما العدد الواقعی هو ثلاثة آلاف ومائین وعشرة رجلاً.» (تحریر المقال، ص ۱۰۰)

عددی را که شیخ مفید یاد آور شده، تقریبی است شاهد آن، عمل خود مستشکل است که به عدد ذکر شده توسط محدث نوری یعنی سه هزار و پنجاه، اکتفا کرده، در حالی که عدد واقعی سه هزار و دوست و ده است.

اولاً، میان عدد ۳۲۱۰ تا ۴۰۰۰ فاصله زیادی است و اگر شیخ مفید بخواهد عدد ۳۲۱۰ را تقریبی بیان کند، هیچ گاه ۴۰۰۰ نمی گوید، بلکه به صورت زیر و امثال آن ممکن است تعبیر آورده شود:

«حدود سه هزار»، «بیش از سه هزار» یا «سه هزار و دوست».

ثانیاً، برای بیان تقریبی ۳۲۱۰ هیچ گاه عدد ۳۰۵۰ را به کار نمی برند، بلکه به صورت یکی از صور مذکور در بالا بیان می شود. در جایی این عدد به عنوان عدد تقریبی به کار می رود که با عدد واقعی حداکثر تا حدود ده عدد فاصله باشد.

ظاهراً مستشکل (مؤلف کتاب کلیات فی علم الرجال) اسامی راویان در رجال شیخ را شخصاً شمرده است و تصور کرده که عدد واقعی همان ۳۰۵۰ است، نه اینکه ابتدا همه اصحاب حضرت را شمرده و متوجه شده که ۳۲۱۰ نفرند، سپس عدد تقریبی یعنی ۳۰۵۰ را ذکر کرده باشد و اگر ایشان شخصاً اسامی را شمرده بود، هیچ گاه این عدد را به کار نمی برد. بنابراین، عمل مستشکل نمی تواند شاهدهی بر ادعای مؤلف باشد.

به نظر می رسد علت کمتر بودن عدد مذکور در کتاب مستشرق الوسائل این است که برخی اسامی مانند محمد بن مضارب<sup>۸</sup> در رجال شیخ تکراری اند؛ و محدث نوری تکرارها

۸. رجال الطوسی، ص ۳۰۰ و ۳۲۲.

۹ و ۱۰. همان، ص ۳۴۰.

«ملعون» تضعیف شده اند و برخی اشاره به ضعف آنان نشده اما مسلماً ضعیفند؛ مانند منصور دوانیقی. از سوی دیگر وثاقت تمام راویان حضرت صادق (ع) عادتاً محال است.

اما دلیل سقوط ظهور دوم این است که شیخ طوسی نام تمام کسانی را که در رجال ابن عقده بوده در کتابش آورده اما تعداد آنان با چهار هزار نفر فاصله زیادی دارد.

در دو صفحه مورد بحث از جهت ادبی نیز چند اشکال به چشم می خورد:

۱- کلمه «استدلال» مذکر است و هنگام اشاره می بایست با «هذه» به آن اشاره نمود، اما در صفحه ۹۹ سطر ۴ با «هذه» مورد اشاره قرار گرفته است.

۲- جمع «کتاب»، «کتب» است، اما در صفحه ۹۹ سطر ۱۷ «کتابات» نوشته شده است.

۳- مثنی در حالت رفع با الف و نون نوشته می شود و معدود از سه تاده جمع و مجرور است اما در صفحه ۱۰۰، سطر ۷ چنین آمده است: «العدد الواقعی هو ثلاثة آلاف ومائین وعشرة رجال» عبارت صحیح باید این گونه باشد: «العدد الواقعی هو ثلاثة آلاف ومائتان وعشرة رجال».

در این دو صفحه غلطهای چاپی فراوان نیز به چشم می خورد که بیش از حد معمول است:

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۹۹	۱	الائمة	الائمة
۹۹	۲	الثالته	الثالته
۹۹	۱۴	الائمة	الائمة
۹۹	۱۷	اربعه	اربعه
۹۹	۲۳	۳۲۳	۳۲۸
۹۹	۲۴	۷۷۳	۷۷۲
۱۰۰	۳	رجالة	رجاله
۱۰۰	۴	الائمة	الائمة
۱۰۰	۱۱	مبناً	مبناً
۱۰۰	۲۲	الائمة	الائمة

با توجه به فراوانی اشکالات - آن هم تنها در دو صفحه کتاب - ضروری است مؤلف در تمام اثر خود تجدیدنظر کند.



قدری کمتر از چهار هزار نفر بوده و شیخ مفید عدد تقریبی را بیان کرده و تعدادی از اسامی به دلیل تکراری بودن، توسط شیخ حذف شده اند و عده ای دیگر به جهت باواسطه بودن در میان اصحاب امام صادق (ع) ذکر نشده اند.

\*\*\*

\*\*\*

مؤلف در ادامه، اشکال و جوابی را پیرامون ثقه بودن تمام اصحاب حضرت صادق (ع) به صورت زیر نقل می کند:

«ان قلت: لو كان العدد مبنياً على التقريب فالتوثيق كذلك. قلت: كلام الشيخ المفيد (قد) ظاهر في امرين: (۱) ان اصحاب الصادق (ع) كلهم ثقات (۲) عددهم يبلغ اربعة آلاف رجل والظاهر منهما هو الاحراز عن حس، كما قرناه في محله، فاذا سقط احد الظهورين يبقى الآخر على حاله فتأمل.» (تحریر المقال، ص ۱۰۰)

اشکال: اگر عدد چهار هزار تقریبی است توثیق نیز تقریبی است (و نمی توان گفت همه ثقه هستند).

جواب: کلام شیخ مفید در دو امر ظهور دارد:

۱- تمام اصحاب امام صادق (ع) ثقه هستند.

۲- تعداد آنان چهار هزار نفر است.

ظاهراً اخبار در هر دو مورد از روی حس است - همانطور که در جای خود گفتیم - بنابراین اگر یکی از دو ظهور ساقط شد، ظهور دیگر به حال خود باقی است. (دقت کنید).

اولاً، جواب مجمل است و نیاز به توضیح دارد. احتمالاً مراد مؤلف این است که وقتی ظهور دوم (اصحاب امام صادق (ع) چهار هزار نفرند) ساقط شد، ظهور اول یعنی وثاقت تمام اصحاب امام صادق (ع) باقی می ماند.

ثانیاً، پذیرفتن استظهار اول بسیار مشکل است.

ثالثاً، اگر کلامی در دو چیز ظهور داشت، لازمه سقوط ظهور در یکی از آن دو، ثبوت آن در امر دیگر نیست. بلکه امکان دارد هر دو ظهور ساقط شوند.

رابعاً، به فرض که بپذیریم کلام شیخ مفید در دو امر مذکور ظهور دارد، اما هر دوی آنها ساقط است.

ظهور اول به دلیل اینکه تعداد زیادی از اصحاب امام صادق (ع) توسط شیخ طوسی صریحاً حتی با الفاظی مانند